

یک نکته در مصاحبه راشا تودی Russia Today با

اعلیحضرت

بردر بسته چو بنشینی بسی عاقبت بگشاید آن در راکی

امیرفیض- حقوقدان

نظام حقوقی جهان از عصر بدویت تا به امروز بر این پایه استوار بوده و هست که هر ادعا و یا خواسته ای باید مستند به حق متکی بر دلیل باشد. زیرا از طریق دلیل و مستند است که حق از قوه به فعل درمیآید و ادعا در جایگاه حق قرار نمیگیرد. اینکه در اصطلاح عامیانه گفته میشود؛ «حرفش مفت است» بیان کننده همین اصل حقوقی است.

اهم بعد

پس از انتشار دستورالعمل شورای به اصطلاح ملی! درباره انتخابات که بر سرفصل توسل به سفارتخانه ها قرار داشت، با نیاوری سخی از باب بی توجهی شورا به موضوع، روبروشدم ولی هنگامیکه اعلیحضرت بر آن تاکید گذاشتند، آن نیاوری در مسیر ابهام افتاد به این معنا که مسئله نباید چنان باشد که درک بنده آنرا دریافت کرده چه بسا دلیلی بر این توصیه وجود داشته باشد که در مسیر ابوابجمعی غفلت بنده قرار داشته باشد.

ابتدا به دبیرخانه رجوع شد ولی هدایتی نصیب نگردید جز بی محلی و بی اعتنائی. طبق رویه معمول، پنجره انتقاد گشوده شد ولی باز هم نه هدایتی آمد و نه پاسخی که این خود معنای خاص خود را داشت.

صد نامه نوشتم جوابی نگرفتم اینکه جوابی نگرفتم جوابی است

البته سوال مستحب است ولی جواب واجب، (حقوق اسلامی) در دمکراسی هم تحت عنوان رفع ابهام از طریق پرسش و طرح موضوعات، یک اصل شناخته شده است ولی همانطور که در تحریرات قبل هم اشاره شد سوال کننده باید ابله و محجور نباشد «جواب ابلهان خاموشی است» از همین باب است که در بیت بالا «اینکه جوابی نگرفتم خود جوابی است» اشاره به تشخیص طرف سوال است که سوال کننده را ابله و غیرقابل جواب دانسته است.

باری - سعدی بیت معروفی دارد که وصف الحال موضوع است میگوید؛

اگر خدا ز حکمت ببندد دری ز رحمت گشاید دردیگری

مصاحبه راشا تودی (RT) با اعلیحضرت نشان داد که اگر اعلیحضرت بنابر مصلحت و تشخیص خودشان از بذل لطف و عنایت به امثال بنده بنوعی دریغ دارند در حدی که ما را لایق رفع شبهه و پاسخ سوال هم نمیدانند ولی موقعیتی پیش میاید که دری برای دریافت پاسخ و رفع ابهام ما گشوده میشود.

در مصاحبه مزبور، موضوع توصیه رجوع به سفارتخانه ها و سازمان ملل به ایرانیان و دادن رای به صندوق سفارت خانه ها یعنی دقیقاً مورد سوال و سپس انتقاد امثال بنده، شد پرسش مصاحبه کننده

و این عجیب تصادفی بود که رحمت اعلیحضرت از طریق دیگری یعنی یک خانم روسی پرسش کننده ارزانی سوال ما گردید.

پاسخ اعلیحضرت به پرسش مزبور این بود که چون ایران عضویت سازمان منع گسترش اتمی را دارد و نیز از امضاکنندگان اعلامیه بین المجالس است، لذا تصمیم گرفته شد که توصیه شود تا ایرانیان رای خودشان رابه صندوق سفارت خانه ها و یاسازمان ملل متحد بدهند.!!!

مصاحبه کننده به جواب اعلیحضرت قانع نشد، ولی بنده فکر کردم که مراجعه مجدد به آنچه که در باب حقوق انسانها در جامعه سیاسی داخلی ویا بین المللی وجود دارد لازم است، زیرا اصل بر این است که بیان اعلیحضرت، اصیل و متکی به دلایل است، و درکنار این اصل، اصل دیگری هم وجود دارد که «ندانستن، دلیل عدم وجود نیست»

لذا رجوع مجدد به اسناد زیر که دامنه حقوق انسان هارا شکل و حمایت میکند لازم شد و اسناد اعلامیه جهانی حقوق بشر- اعلامیه بین المجالس سال ۱۹۹۴- میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی - کنوانسیون حقوق زنان - کنوانسیون حمایت از آزادی های بنیادین حقوق بشر- منشور اروپای جدید درپاریس ویاالخره اعلامیه نشست کپنهاک درباره ابعاد انسانی، مرور مجدد بشود تا شاید در آنها اشاره ای درتائید توصیه رجوع به سفارتخانه ها یافت شود که نبود! و در منشورسازمان ملل متحد نیز تصریح شده که **سازمان ملل بنماینده دولتها** از ملتها وارد تصمیم میشود نه افراد کشورها.

برای مزید اطمینان به وظایف سفارتخانه ها هم رجوع شد. سفارتخانه ها تکلیف دارند که از حقوق اتباع کشورخودشان درکشورمیهمان دفاع کنند، نه اینکه به مرافعات و اعتراضات مردم نسبت به دولت میهمان رسیدگی کنند.

بنابراین میتوان این نتیجه راباقاطعیت اعلام کرد که:

توصیه اعلیحضرت دائر به رجوع مردم به سفارتخانه ها یک امرنظری و فارغ از اتکای به اصول و قانون ومصوبات بین المللی بوده و باید غفلت در بیان ویا خلط درمشاوره محسوب گردد.

نباید از تاثیر کلام مشاور ویا نزدیکان وهمنشینان غافل ماند. روابط، بازکننده نوعی مسیراعتمادی و حقیقت یابی است که قادر به انجام بسیاری از امور است تاچه رسد به قبول نظریه ای نادرست.

مخبرالسلطنه هدایت نوشته است؛ «دراعتصابات کارگری مراکز نفت درسال ۱۳۲۱ به یکی ازباغبانهای شرکت نفت گفته شد «توچرا دراعتصابات توده ای ها شرکت میکنی؟» پاسخ داد؛ «اینها مردمان خوبی هستند میگویند درقران نوشته شده که ایران جزعروسیه است» < (صفحه ۴۴۹)

به اعلیحضرت هم گفته شده اعلامیه بین المجالس ویا مقررات منشور سازمان ملل این اجازه را میدهد که دراعتراض به انتخابات کشورها مردم به سفارتخانه ها و یاسازمان ملل متمسک بشوند ویا رای خودشان رابه آنها بدهند با این تاکید که درگفته های به اعلیحضرت، سوء نیت و تخریب اعلیحضرت وزمیننه سازی برای مداخله خارجیان درامورایران هدف نهایی میباشد.

آشفته‌گی‌ها و ملاحظات تبعی

هنوز زمانی از توصیه شورا و تاکید اعلیحضرت مبنی بر رجوع به سفارتخانه‌ها در رابطه با انتخابات گذشته و بقول اعلیحضرت؛ «جوهر روی کاغذ خشک نشده» که اثرات این تصمیم و توصیه نا معقول و نا متعارف و حتی خلاف باور مردم ظاهر شده است.

حاصل تحریم انتخابات می‌توانست این باشد؛ کسانی که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده‌اند از ابواب جمعی تحریم بوده‌اند و لاجرم به حساب مخالفین جمهوری اسلامی منظور می‌شدند.

حال آنکه اکنون فقط می‌توان همان تعداد! مراجعین به سفارتخانه‌ها را به حساب مخالفان رژیم گذاشت، ملاحظه می‌کنید که تفاوت ره از کجتابه کجاست، و تا چه حد طرح توقف انتخابات بجای تحریم می‌توانست کارساز باشد.

استراتژی شورای به اصطلاح ملی! یک استراتژی حساب شده است، تا از یکسو اعتبار و شخصیت نماد هویت ملی را بکلی خرد و بی اعتبار بسازد و جای آنرا توصیه رجوع به سفارتخانه‌ها می‌گیرد و از سوی دیگر صداقت و استقبال و مشروعیت به انتخابات جمهوری اسلامی می‌دهد، این استراتژی شورای به اصطلاح ملی، را کنار بیعت با جمهوری اسلامی و شغل سخنگویی اعلیحضرت بگذارید تا کاملیت استراتژی شورا کاملاً عیان گردد.

یک نکته بیاد داشتنی

شورای به اصطلاح ملی! در عین اینکه مقام حقوقی و شخصیتی ندارد ولی متصدیان خود انتصابی به اتکای امضای کسانی که منشور را امضا کرده‌اند قائل به رابطه وکالتی هستند یعنی بوکالت امضاکننده است که اقداماتی کرده و می‌کنند و این رابطه حاکی از این است که اثرات کارهای آنها گرچه بنام شورای به اصطلاح ملی! باشد متوجه امضاکنندگان منشور است.

آلبرت انشتاین جمله‌ای دارد که وصف الحال مورد است گفته:

«جهان امروز در خطر ورشکستگی و آشفته‌گی است، نه بخاطر آنهایی که بدانند و پلیدند بلکه به سبب اینکه کسانی در مقابل بدانیشان دست روی دست گذاشته و کاری نمی‌کنند» (اعلیحضرت سخنانی سال ۸۲ تورنتو)